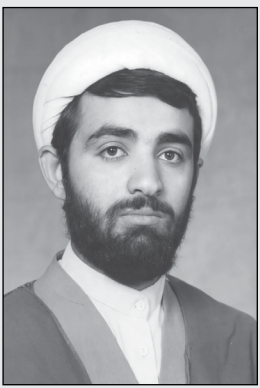




یادی از روحانی شهید صادق محمدی

# سرو قامت

سعید رضایی



روحانی شهید صادق محمدی در اردیبهشت سال ۱۳۴۴ در شهر تهران با به عرصه وجود نهاداد همان کودکی با اسلام و قرآن خو گرفت. صادق قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در حالی که ۱۳ سال بیشتر نداشت در راه به ثمر رسیدن آن تلاش فراوان نمود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به‌واسطه نیازی که جامعه اسلامی به فعالیت‌های فرهنگی داشت با همکاری عده‌ای از دوستانش انجمن اسلامی خلق را پایه‌گذاری نمود.

در دوران هفتم‌گرمی منافقین با منتشر نمودن نشریات و بخش کتبی که روشنگر ماهیت ضد خلق و اسلامی آنها بود و همچنین آنگه نمودن مردم به مبارزه با این جریان लगाظی پرداخت و در اوج نهیمت‌هایی که منافقین و منحرفین به روحانیت نسبت می‌دادند و دست به ترور آنها می‌زدند به قصد تحصیل علوم دینی و کسب آگاهی و پیش هر چه بیشتر برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی رهسپار شهر مقدس قم شد تا در سنگر روحانیت به مبارزه خود ادامه دهد.

او می‌دانست که همواره باید در دو سنگر علم و جهاد حاضر باشد و به حوزه اسلامی آمدن مسئولیت سنگین دارد. شهید بزرگوار در کنار تحصیل علوم اسلامی برای تبلیغ مسائل اعتقادی و سیاسی به نقاط محروم کشور سفر می‌کرد از جمله کردستان و تفرش.

صادق محمدی در سال ۶۱ ازدواج نمود که حاصل آن دختری به نام عطیه بود.

از خصوصیات بارز اخلاقی این شهید بزرگوار شور و حرارتی بود که در راه اعتلای اسلام و قرآن داشت و هر آنچه که در توان داشت در این راه مضاویه نمی‌کرد.

وی مدتی مسئولیت واحد عقیدتی و سیاسی لشکر ۷ ولی‌عصر(عج) را به عهده داشت که در این زمینه بسیار موفق عمل کرد و موجبات ترقی وضعیت فرهنگی و معنوی لشکر و رزمندگان شده بود.

صادق در بیشتر عملیات‌ها حضور داشت و یکبار نیز به وسیله موج انفجار در عملیات والفجر مجروح شد و بالاخره در عملیات کربلای پنج پس از عهده‌دار شدن فرماندهی گردان مسلم بن عقیل از لشکر کی سیدالشهدا رشادت‌های فراوانی از خود نشان داد، طوری که پس از مجروح شدنش هم حاضر به بازگشت نمی‌شد و با دلاوری و پایدردی شربت شهادت را می‌نوشد و پیکر پاکش در منطقه شلمچه باقی می‌ماند که دوستانش علی‌رغم تلاش‌های فراوان موفق به بازگشت پیکر ایشان نمی‌شوند.

**از نوشته‌های شهید**

«یا ایها الذین امنوا هل ادکم علی تجاره تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله بالمالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون»؛ ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک آخرت نجات بخشد داللت کنم؟ آن تجارت این است که به خدا و رسول و ایمان آورید و جهاد کنید در راه او و با مال و جان که این کار از هر تجارتی بهتر است برای شما اگر بدانیید.

خدا یا تو خود می‌دانی که سال‌هاست در انتظار شهادت به سر می‌بری و شکر می‌کنم که آن را نصیب کردی.

با سلام به پیشگاه امام زمان و نایب برحق خمینی کبیر و همه شهدای اسلام و با آرزوی پیروزی نهایی برای رزمندگان اسلام در کل عالم.

حمد و سپاس خدای را که طاعتش موجب عزت و قربت و کفرانش موجب ذلت و غفلت است. شکر می‌کنم خدایی را که بر ما منت نهاده و نعمتی بزرگ عطا نموده و ما را هدایت کرد تا در جهت اسلام عزیز قدم برداشته و لحظه‌ای از حرکت باز نایستیم.

حمد و سپاس خدای سبحان را که بر ما رهبری عظیم‌الشان عنایت کرد و مرا لیاقت داد تا در این زمان حیات یابم و به پیروی از این رهبر راهی به حقیقت و روشنی روز را طی کرده و به لقای پروردگار خویش بنشایم.

ای پروردگار شهیدان، ای بهترین آمرزنده، ای بهترین گشاینده، ای بهترین یاور، ای آرزوی دوستان، ای نهایت عشق عرفان، ای دوست توبه‌کاران و امید کنه‌کاران و روشنی چشم عابدان و ای خدای عالمیان، طاعتم قلیل و معصیتم بسیار است، ای ستار العیوب بیامرز همه گناهانم را و مرا مورد لطف و کرم‌ت قرار ده.

ای فریادرس فریادخواهان، می‌خواهم بگرم به آستانت، گریه فقیرانه و تو را فریاد زلم که کجایی ای نگهبان مؤمنان. بار خدایا گرفتاری و بلا بسیار گشسته و امید از همه‌جا قطع شده است و تنها تو شکایت پذیری.

معبودا، دوستان تو، عاشقان و مقربین درگاهت، همگی به لقای تو شتافتند، مرزا نیز شاد کن به لقای خودت. پروردگار، در مکن حاجتم را و ناامید مکن و میرز از خود امید و آرزویی مرا که اگر مرا ناسپاس می‌خواستی هدایت نمی‌نمودی و اگر رسوا می‌خواستی عاقبت نمی‌دادی.

خون شهید گناه بر صحت و اصالت رسالت حضرت محمد(ص) و حجابتی علی(ع) و مظلومیت حسین(ع) است. شهید وارث همه ایمان‌ها، عشق‌ها و اینارهای مردان خدا در همه دوره‌هاست.

خدا یا تو را شکر می‌کنم که باب شهادت را به روی بندگان خالص گشودی تا هنگامی که همه راه‌ها بسته است و هیچ راهی جز ذات و خفت و نکبت باقی نماند، می‌توان دست به این باب یعنی شهادت زده و پیروزمندان به وصل خدائی رسید.

نمی‌دانم چرا این دفعه با دفعات دیگر برام فرق دارد. این‌بار جبهه برام خیلی زیباتر شده. این‌جا دانشگاهی است که درس‌هایش را در هیچ جای دیگر نمی‌شود آموخت. این‌جا تصفیه خانه‌ای است که روح‌های سالم را از نفس‌های مریض جدا می‌کند. جبهه آن قدر زیباتر است که دلم نمی‌آید آن ترک کنم. اما سخنی با بعضی از برادران و خواهرانی که تا به حال خود را با انقلاب اسلامی وفق نداده‌اند، از شما تقاضا دارم که کمی فکر کنید و در گذشته و حال این ملت فداکار بنگرید، اگر بعد از این چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی پندهای امام امت، خون شهدا، ناله مادران و خواهران و فرزندان داغ‌دیده شما را بیدار نکند، ذلت عذاب الهی شما را به خود خواهد گرفت که در آنجا راه بازگشتی نیست.

به خود آبیید و از این زندگی محدود، تنگ و خسته کننده و از حصار مادیت و خودیت بیرون آبیید زیرا که دنیای عاشقان انقلاب اسلامی علمی دیگر و لذتی وصف ناپذیر دارد.

امیدوارم هر کسی در هر بست و مقامی هست، سعی کند وظیفه خود را انجام دهد که این امکانات به بهای خون شهیدان به دست آمده است.

ای مؤمنین ای همه شما می‌خواهم تا زنده‌اید بشنوانه اسلام، انقلاب و امام باشید که زندگی بدون عشق به امام امت سراسر جهل و ظلمت و مردگی است، چون ایشان پیونددهنده همه ما با امام زمان(عج) و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) می‌باشند و به‌طور کلی هدایتگر همه به سوی صراط مستقیم می‌باشند.

**آخرین توصیه شهید**

و اما ای روحانیون محترم؛ ارشاد کنندگان مردم، بر شمامت ابلاغ و تبیین پیام خون شهدا چرا که «مداد العلماء افضل من مداء الشهداء»، و بدانیم که پیام شهید، تبعیت از کلام رهبر است و ادامه راه شهید در پیروی از فرزند زهرا (سلام‌الله‌علیها) و ولایت فقیه می‌باشد و علم شما زمانی ارزش واقعی خود را خواهد یافت که توأم با عمل و در خدمت اسلام باشد.

شهادت سردار بزرگ و پرافتخار اسلام حاج قاسم سلیمانی در حوادث پس از آن قیامتی در دنیا بر پا کرد به گونه‌ای که به فاصله بسیار کوتاهی پس از شهادت سردار دل‌ها، یعنی تنها پنج روز پس از شهادت سردار سلیمانی، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی فرمودند:

«در مورد شهید سلیمانی، برکات این شهادت عظیم است. این شهید عزیز هر وقت گزارشی می‌داد به ما - چه گزارش کتبی، چه گزارش شفاهی- از کارهایی که کرده بود، بنده قلباً و زباناً او را تحسین می‌کردم آتما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم. کار بزرگی انجام شد، قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد.»

۱۳۸۱/۱۸

چند روز پس از شهادت حاج قاسم، ۱۳ موشک نظامان و غیرقابل رهگیری جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین پایگاه آمریکا در منطقه (پایگاه عین الاسد در عراق) را مورد اصابت قرار دادند که خسارات فراوان و بالغ بر یکصد کشته و زخمی به بار آورد و سیلی محکمی به هیمنه

در تازه‌ترین توطئه، بازی تیم فوتبال سپاهان اصفهان و الاتحاد عربستان، به دلیل وجود تندیس شهید سلیمانی در استادیوم نقش جهان اصفهان توسط ناظر بازی لغو شد و متعاقب آن کنفدراسیون فوتبال آسیا در حکمی سنگین نتیجه دیدار سپاهان و الاتحاد را سه بر صفر به نفع تیم عربستانی اعلام کرد و علاوه بر نتیجه، سپاهان به ۲۰۰ هزار دلار جریمه و ۳ بازی خارج از نقش جهان محکوم شد.

با آنکه مسئولان ورزش دنیا بر غیرسیاسی بودن ورزش تأکید دارند و لغو بازی سپاهان و الاتحاد هم با همین بهانه انجام شد، اما حکم صادرشده کاملاً سیاسی و برخلاف ادعاهای مسئولان ورزش دنیا در این عرصه است و از یک طرف از شدت نفوذ دشمنان در مراجع عالی ورزشی حکایت دارد و از طرف دیگر، برای هراس‌زمنی بار از ترسیدن و خشکتان دشمنان از حتی تندیس شهید سلیمانی پرده برداشت.

نکته دیگر آنکه در تمامی استادیوم‌های جهان تصاویری از سیاستمداران هر کشور وجود دارد و کسی ادعای سیاسی بودن این کار را ندارد. علاوه بر اینها تندیس حاج قاسم عزیز بیش از چهار سال است که در ورزشگاه نقش جهان اصفهان وجود



سایه سردار دل‌ها بر تحولات منطقه، چهار سال بعد از شهادت

# خون تو

# همچنان حریف می‌طلبد

کامران پورعباس

دارد و بازی‌های متعدد خارجی در این ورزشگاه با وجود تندیس سردار دل‌ها انجام شده است که همگی اینها حکایت از آن دارد که آن قدر اثرات خون شهید سلیمانی بر معادلات منطقه و جهان شدیدتر شده است که موجب ترس بی‌سابقه و افزون‌تر دشمنان شده که چنین توطئه‌ها را مرتکب شوند.

محور مقاومت در حال حاضر در مقتدرترین وضعیت خود قسار دارد و این امر با رهبری امام خاتمه‌ای و فرماندهی میدانی حاج قاسم سلیمانی محقق گردیده است. پس از به فرماندهی رسیدن حاج قاسم، گروه‌های مقاومت در سرتاسر منطقه با حمایت‌های همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران مجهز و مسلح گردیدند و تمامی جنگ‌هایی که در این برهه بین محور مقاومت و مستکبران جهان و انباشان اتفاق افتاد، با پیروزی محور مقاومت به پایان رسید و شیاطین عالم سیلی‌های محکم و بی‌دری از محور مقاومت دریافت کردند و در موضع ضعف و انزوا قرار گرفتند.

محور مقاومت که تاکنون در موضع دفاعی بود و هر گاه مورد حمله واقع می‌شد، از خود دفاع می‌نمود و تا شکست دشمن به دفاع ادامه می‌داد، اخیراً در پدیده‌ای شگفت‌انگیز وارد فاز تهاجمی شده و حملات پیشدستانه در محور مقاومت آن هم علیه آمریکا و اسرائیل کلید خورده است. ابتدا نیروهای مقاومت فلسطین از شنبه ۱۵ مهرماه برابر با ۷ اکتبر ۲۰۲۲ عملیات همه‌جانبه و ترکیبی و بی‌نظیری به نام «طوفان الاقصی» را از غزه علیه رژیم اشغالگر و تروریست و کودک‌کش

یادبود شهید مصطفی حجتی

# فدایی

مهدی امیدی

منطقه غرب تهران به هدایت او صورت می‌گرفت و شعارهای نظارات را او ندا می‌داد. در تهران امامت جماعت مسجد سیدالشهدا(ع) را نیز بر عهده گرفت و در این مقام به ارشاد و راهنمایی مسلمان خدمات شایانی به انجام رسانند. دی ۱۳۵۷ از جمله شرکت کنندگان در تحمن قهرمانانه و تاریخی روحانیون مبارز در مسجد دانشگاه تهران بود و توانست با حضور خود در این تحسن همراه با سایر روحانیون و شخصیت‌های برجسته انقلاب یکی دیگر از دساتین استکبار جهانی را خنثی نماید و در همان زمان نیز در همه امور انقلاب حتم می‌نمود و در میان علاقه‌مندان پخش می‌کرد و به یاری مداری یاری می‌رساند.

در سال ۱۳۵۱ برای خدمت به مردم مسلمان به تهران عزیمت نمود و در دوران شگوفایی نهضت اسلامی نقش بسزایی ایفا نموده، به طوری که اکثر انجمنی‌های

مقاومت در فضای مجازی

# کمک‌های فرانسه به صدام

# از زبان شهید همت



تارنمای مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، صوت سخنرانی شهید حاج ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) در اردوگاه قلاجه در حین آماده‌سازی برای عملیات والفجر ۴ و همزمان با عید سعید قربان در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۲۷ برای اولین بار منتشر کرده است. این شهید والا مقام در بخش‌هایی از صحبت‌های خود از خوش خدمتی دولت فرانسه به رژیم بعث عراق در جنگ با ایران پرده برداشته است. متن این سخنرانی بدین شرح است:

«فرانسه نابکار که یک روز انگلیس حلقه‌به‌گوش آمریکا بوده حالا فرانسه شده، نمی‌گفت من دست دارم در عراق ولی از میرزاهایش خبر داشتید که به هیچ خلبانی در تاریخ که صد ساعت تجربه پرواز داشته باشد میرزا نداده بود به صدام داد. موشک اگزوست به کمتر کشوری داده بود، داد که کشتی‌های ما در خاکرک را از بندر فاو بزنند.

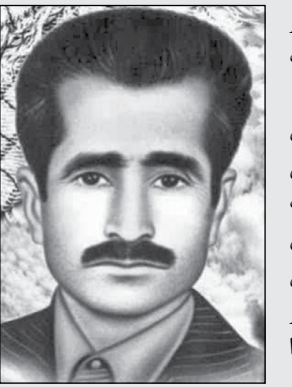
هی هم شعار سیاسی می‌دهد و جنایت آنجایی است که تلویزیون دولتی فرانسه این خبر را می‌دهد، می‌گوید: تحویل این هواپیماها به خاطر کمک به رژیم صدام و جلوگیری از سقوط آن و جلوگیری از رشد انقلاب اسلامی در منطقه است، نگاه کنید نکته را! بعد هم با کمال ذلت و پستی عنوان می‌کنند هم‌اکنون بیش از شصصد نفر مستشار فرانسوی در عراق و در ارتش عراق کمک می‌کنند در جنگ با ایران.

ما یک مدت باورمان نشد گفتیم فرانسه دیگه کی مستشار فرستاده؟! خود رادیوهایشان هم اعلام می‌کنند و خود رادیوی دولتی فرانسه بر اثر فشار مردم فرانسه این را عنوان کردند: شصصد مستشار فرانسوی در ارتش عراق! کی دارد رژیم صدام را می‌چرخاند؟ کی خط نظامی به ارتش عراق می‌دهد؟ فقط و فقط استعمار و لا غیر!»

یک ستاره از آن هزار

# خداداد

ابوالقاسم محمدزاده



ستاره امروز سپاه مشق‌هایم سال ۱۳۱۳ در یکی از روستای ولی‌آباد شهرستان قوچان، در خانواده‌ای مستضعف دیده به جهان گشود.

۴ ساله بود که مادرش را از دست داد و در کنار پدرش که چوپان و زحمتکش بود زندگی کرد. او در سن ۸ سالگی مددکار خانواده بود و کمک حال پدرش. او که رنج محرومیت و سختی‌های دوران زندگی را چشیده بود و حتی از درس و تحصیل هم محروم بود، روستا را رها کرد به شهر قوچان مهاجر کرد و به‌عنوان شاگرد یادو، در کافه‌ای مشغول به کار شد. پس از دو سال به مشهد مهاجرت کرد و همان کار را در مشهد ادامه داد.

پس از مدتی با گرفتن گواهینامه پایه دو به راندنگی با تاکسی روی آورد، ۳۵ ساله بود که ازدواج کرد. حاصل این ازدواج ۶ فرزند است.

پس از پیروزی انقلاب و تأسیس نهاد جهادسازندگی خداداد که درد محرومیت و رنج را چشیده بود به منظور خدمت به محرومین روستایی وارد جهادسازندگی شد و در حد توان از هرگونه تلاش و کوشش در این راه مضاویه نمی‌کرد درحین خدمت در جهاد، همراه تعداد دیگری از جهادگران به خدمت حضرت امام مشرف شدند و در همین زیارت از پرتو نور امام فاطمه معنوی برده بود.

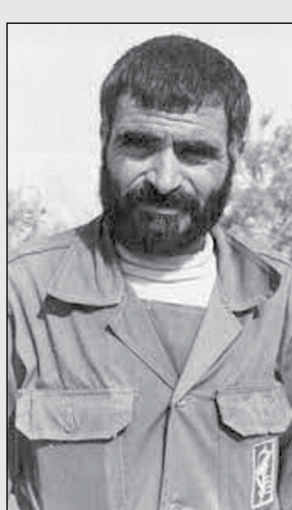
هنگامی که جنگ تحمیلی آغاز شد او چندین بار قصد عزیمت به جبهه‌ها را داشت که با مخالفت مسئول جهاد قوچان مواجه شد اما موفق شد با تمام مخالفت‌های آنها سه نوبت در جبهه‌های جنگ حضور پیدا نماید و در عملیات‌های مختلفی شرکت داشته باشد که عملیات کربلای ۵ و منطقه عملیاتی شلمچه وعده‌گاه ملاقات او با خالق بود. که بر اثر ترکش خمپاره دشمنان بعثی به درجه رفیع شهادت نائل گردید و ستاره‌ای شد در آسمان جهاد و ایثار و شهادت تا لگو و چراغ راهی باشد برای آنهایی که با درد و رنج انس گرفته و قصد راهی و رسیدن به سعادت ابدی دارند. آری خداداد ستارم‌ای شد که هرگز خاموشی ندارد و به ورطه فراموشی نخواهد رفت و در همیشه تاریخ خواهد درخشید.

**موضوع: جهادگر شهید خداداد استادی ولی‌آبادی**

یک شهید، یک خاطره

# توسل به حضرت زهرا(س)

مریم عرفانیان



در هنگام عملیات رمضان وظیفه ما عملیات ایذائی بود. می‌خواستیم شب هنگام پس از ضربه زدن به دشمن به مقرمان برگردیم. پس از عبور از خط و نزدیک شدن به دشمن به دلیل بی‌احتیاطی یکی دو تا از نیروها لو رفتیم. دشمن منور زد و پس از دیدن نیروها همه را به رگبار بستند در نتیجه آتش دشمن ۳۰ - ۴۰ نفر شهید دادیم. معبر قفل شده بود، بچه‌ها وحشت‌زده شدند و پیشروی غیرممکن. به عقب آمدم و آقای برونسی را پیدا کردم. متوجه شدم که گریه می‌کند! گفتم: «بلند شو گریه فایده‌ای ندارد. به بچه‌ها دستور عقب‌نشینی بده. این نیروها دیگر توان جنگیدن ندارند. اگر صبح بشود تمام نیروها از بین می‌روند.» دیدم اصلاً جوابم را نمی‌دهد. تکانش دادم و گفتم: «تو فرموده‌ای. بلند شو دستور بده برگردیم.»

سرش را بلند کرد و گفت: «ما وظیفه انهدام نیروهای عراق را داریم. باید دشمن را منهدم کنیم و بعد برگردیم.» درسته؟»

گفتم: «بله.»

گفت: «هن الان سرم را روی زمین گذاشتم و از حضرت زهرا (س) کمک خواستم.»

و ادامه داد: «الآن می‌روی خط پیش برادر جوانان و همراه او با بقیه، بچه‌ها را همراه خود می‌بری.»

مقداری تعلل کردم؛ ولی او مجدد مرا به خود آورد.

جلو رفتم و وظیفهام را انجام دادم. برونسی هم بقیه نیروها را آماده مقابله کرد و گفت: «یک گلوله به حسین بده و یکی بده به سید آری‌چی زن.» بعد هم خودش یک گلوله آماده کرد و سپس گفت: «همه نیروها آماده‌باشند تا آری‌چی شما شلیک شد شما تکبیر گفته به دشمن بزنید.» آری‌چی‌ها شلیک شد، سنگر دشمن آتش مهیبی گرفت و منطقه را مانند روز روشن کرد.

نیروهای خودی هم روی سر دشمن ریختند. آن شب حدود ۵۰ دستگاه‌تانک از دشمن غنیمت گرفتیم. صبح مشخص شد که یکی از سنگرها محل تجمع سرهنگ‌های عراقی بوده و آنجا جلسه داشتند و گلوله آری‌چی سبب هلاکت همه آن‌ها شده بود.

و من از نتیجه این حمله خیلی تعجب کردم!

**بر اس خاطره‌ای از شهید عبدالحسین برونسی**

**راوی: سید کاظم حسینی، هم‌رزم شهید**